

مکان یابی مقبره مُسْتَرشِد بالله عباسی براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی*

سعید ستارنژاد^I، کریم حاجی زاده باستانی^{II}، بهروز افخمی^{III}،
حبیب شهبازی شیران^{IV}

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NB.2021.23250.2259
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸
نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۲۷۷-۲۹۸

چکیده

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مُحقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
II. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مُحقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول).
k_hajizadeh@uma.ac.ir
III. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مُحقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
IV. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه مُحقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

*مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری «سعید ستارنژاد» با عنوان: «پژوهش باستان‌شناختی فضاهای آئینی-مذهبی آذربایجان ایران با مطالعه موردی شهرستان مراغه» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه مُحقق اردبیلی در حال نگارش است.

مطالعات منابع مکتوب تاریخی و تطبیق با شواهد باستان‌شناختی، از روش‌های منسجم علمی در مطالعات باستان‌شناختی دوران اسلامی است؛ و نقش بسزایی در شناخت شهرها، مکان‌های تاریخی و ماهیت کارکردی بسیاری از فضاهای معماری دارد. در این میان مطالعه بر روی یافتن مکان یک اثر تاریخی، از زمینه‌های موردعلاقه پژوهشگران است. منطقه شمال غرب ایران که در دوران اسلامی بانام «آذربایجان» شناخته شده، دارای آثار متنوعی از دوران اسلامی است. بخش زیادی از این آثار پابرجاست و برخی نیز اثری از معماری و ساختار کالبدی آن‌ها امروزه نیست و تنها در متون و منابع دوران اسلامی بدان‌ها اشاراتی شده است؛ از جمله این آثار، مقبره بیست‌ونهمین خلیفه عباسی، یعنی «مُستَرشِد بالله» است که تاکنون موقعیت و محل این مقبره در آذربایجان ایران، ناشناخته مانده است. مکان این مقبره در متون دوران اسلامی به صورت‌های مختلف ذکر شده است. در این منابع، موقعیت قرارگیری آن بیشتر در «بلده» مراغه قید شده، باین وجود موجودیت مکانی مقبره در مراغه تا به امروز کاملاً مهجور واقع گشته است. پژوهش پیش‌رو به شیوه توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای و نتایج بررسی‌های میدانی، به منظور مکان‌یابی و شناسایی محل دقیق مقبره مُسْتَرشِد بالله به انجام رسیده و در این راستا به دنبال پاسخ منطقی برای این پرسش‌ها است: الف) براساس شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی، کدام‌یک از محله‌های شهر مراغه را می‌توان مکان مقبره و محل دفن خلیفه عباسی دانست؟ ب) شواهد کلی برای مکان یابی مقبره مُسْتَرشِد بالله کدامند؟ نتایج به دست آمده از داده‌های میدانی و کاوش باستان‌شناختی و تحلیل متون تاریخی، موقعیت مکانی مقبره را در هسته تاریخی شهر مراغه، در محله اَتَابَک (قُضات) و کنار برج مقبره‌های کبود و مدور مطابقت می‌دهد.

کلیدواژگان: مراغه، مقبره مُسْتَرشِد بالله، شواهد باستان‌شناختی، منابع مکتوب تاریخی، مکان یابی.

مقدمه

مطالعات منابع مکتوب تاریخی، پیرامون مکان‌یابی فضاهای شهری و بناهای تاریخی از زمینه‌های مورد توجه پژوهشگران است. مکان‌یابی محل بناهای تاریخی در هر دوره به روش‌های خاصی برای آن دوره و آن منطقه نیاز دارد (مرادی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). در دوران اسلامی مکان‌یابی بناهای تاریخی، با توجه به تعداد فراوان منابع مکتوب تاریخی و اشاره به برخی از فضاهای معماری در این متون، از جمله زمینه‌های علمی برای رسیدن به مبانی نظری مناسب پیرامون ماهیت یک بنای تاریخی و مکان‌یابی برخی از فضاهای معماری است. در کمبود داده‌های باستان‌شناختی، منابع تاریخی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را فراهم‌سازند که براساس آن می‌توان تا حدودی به جایابی مکان‌های تاریخی اقدام کرد. مطالعه متون کهن و ردیابی نوشته‌های تاریخی از راه پژوهش‌های باستان‌شناختی، سبب کشف رموز مکان‌های تاریخی بسیار و نیز به دست آمدن اطلاعات ذی‌قیمتی شده است (نیکنامی و رفیعی‌علوی، ۱۳۸۸: ۲۱۱-۱۹۹).

منطقه شمال غرب ایران در دوران اسلامی با اسامی چون: «آذربایجان»، «آذربيجان» و «آذربیکان» مشهور است. بسیاری از حوادث تاریخی شهرهای آن بارها در متون تاریخی ذکر شده است. یکی از شهرهای این منطقه که نام آن در منابع دوران اسلامی به وفور آمده؛ شهر «مراغه» است. مورخان و جغرافی‌دانان دوران اسلامی در توصیفات خود از شهر مراغه، اشاره‌های فراوانی به آثار و حوادث تاریخی آن کرده‌اند (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۱۲۴؛ ابن رسته، ۱۸۹۲: ۲۷۲؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۶۴۲؛ حدودالعالم مشرق‌الی مغرب، ۱۴۲۳: ۱۶۴؛ حموی، ۱۳۲۵/۵: ۱۰۹). این شهر بر مسیر ارتباطی مهم منطقه شمال غرب ایران در سده‌های میانی اسلامی بود و مدتی به‌عنوان «دارالملک» اتابکان آذربایجان و ایلخانیان انتخاب شده است (لسترنج، ۱۳۷۷: ۱۷۶). همین موقعیت خاص و اهمیت آن در سده‌های میانی اسلامی باعث شکوفایی شهر شد. این شهر براساس متون مکتوب تاریخی محل دفن اشخاصی چون «عمیدالدین ابوالفضائل سعید بن محمد بغدادی» (ابن فوطی، ۱۳۷۴: ۲۲۲)، «محبی‌الدین محمد بن العربی طائی حاتمی» (ابن عربی، ۱۳۶۴: ۳)، «محبی‌الدین مغربی» (نصیرالدین، ۱۳۶۸: ۲۰)، «علاءالدین ارسلان بن گریه» (ابن فوطی، ۱۳۷۴/۲: ۳۴۳)، «مسترشدبالله» خلیفه ۲۹ عباسی (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶) و... بوده که تاکنون موجودیت مکانی این بناهای تدفینی در مراغه مشخص نشده است. باید عنوان کرد که در خصوص تعیین موقعیت مکانی مقبره مسترشد مطالعاتی انجام شده است. این پژوهش‌ها عموماً به دلیل رویکرد صرفاً تاریخی و عدم تطبیق توصیفات تاریخی با داده‌های فرهنگی به خصوص شواهد باستان‌شناختی، باعث اشتباه در مکان‌گزینی مقبره مسترشدبالله در بافت تاریخی مراغه شده است؛ بنابراین مسأله اصلی پژوهش حاضر، مکان‌یابی دقیق مقبره مسترشدبالله، خلیفه ۲۹ عباسی، از طریق دست‌یابی به اهدافی چون: مطالعه بافت تاریخی مراغه و شناسایی محله‌های قدیم آن، علت حضور خلیفه مسترشدبالله در مراغه، شناسایی محل دفن و مکان‌یابی مقبره او، انجام شده است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: پژوهش حاضر به دنبال پاسخ منطقی برای این پرسش‌ها است: الف) براساس شواهد باستان‌شناختی و متون تاریخی، کدام یک از محله‌های شهر مراغه را می‌توان مکان مقبره و محل دفن خلیفهٔ عباسی دانست؟ ب) شواهد کلی برای مکان‌یابی مقبرهٔ مسترشد بالله کدامند؟ نتایج به دست آمده از داده‌های میدانی و کاوش باستان‌شناختی و تحلیل متون تاریخی، موقعیت مکانی مقبره را در هستهٔ تاریخی شهر مراغه، در محلهٔ آتابک (قُضات) و کنار برج مقبره‌های کبود و مدور مطابقت می‌دهد.

روش پژوهش: گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، به دو شیوهٔ کتابخانه‌ای که اساس آن مطالعهٔ متون کهن دوران اسلامی به خصوص سده‌های میانی است که با عنوان منابع دست‌اول این پژوهش محسوب می‌گردند؛ و شواهد باستان‌شناختی که حاصل نتایج کاوش‌های انجام شده در محوطه برج مقبره‌های کبود و مدور مراغه به انجام رسیده است. در این راستا با انتخاب روش توصیفی-تحلیلی و تطابق اطلاعات برج‌های مانده از منابع مکتوب تاریخی با داده‌های به دست آمده از بررسی و کاوش باستان‌شناختی بافت تاریخی شهر مراغه، سعی بر آن شده تا در نهایت مکان مقبرهٔ مسترشد بالله معلوم و معرفی گردد.

پیشینه پژوهش

پیشینهٔ مطالعات باستان‌شناختی شهرستان مراغه، عموماً به دودسته قابل تقسیم است؛ ۱- بررسی‌ها و کاوش‌هایی که توسط هیئت‌های ایرانی و غیر ایرانی انجام شده است؛ از جمله بررسی‌های باستان‌شناختی «هند کروس صادق» (۱۹۷۶)، «الف سلوکی» (۱۳۷۸)، «ولفرام کلایس» (۱۹۶۹)، «فریدون بیگلری» و «رضا غفاری» (۱۳۸۴)، «احمد چایچی امیرخیز» (۱۳۸۵)، مطالعات باستان‌شناختی فضاهای دست‌کنند توسط «سعید ستارنژاد» و همکاران (۱۳۹۹) و کاوش‌های باستان‌شناختی در محوطهٔ قیزلار قالاسی، تپه رصدخانه (ورچاوند، ۱۳۵۱) و محوطهٔ کبود و مدور (رحمت‌پور، ۱۳۹۷؛ ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰) و... که نتایج این مطالعات منجر به شناسایی دوره‌های مختلف فرهنگی در شهرستان مراغه شده است. دستهٔ دوم، مطالعات مربوط به بناهای تاریخی به خصوص آثار دوران اسلامی موجود در داخل شهر مراغه است؛ از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به مطالعات «ژاک دمورگان» (دمورگان، ۱۳۳۸)، «آندره گدار» (۴: ۱۹۳۴)، «ارنست هرتسفلد» (۱۹۳۶: ۹۱-۹۲)، «هیلن براند» (۱۹۷۴: ۹۴)، «عبدالعلی کارنگ»، «اسماعیل دیباج»، «سیف‌الله کامبخش‌فرد»، «سیروس خیری» و... اشاره کرد. در این مطالعات به بررسی بناهای موجود در مراغه پرداخته شده؛ اما به مکان‌یابی بناهای تاریخی اشاره شده در منابع مکتوب تاریخی توجهی نشده است.

در رابطه با مکان‌یابی مقبرهٔ مسترشد بالله، تاکنون فرضیه‌هایی توسط تاریخ‌نگاران محلی مطرح شده است؛ که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های پیش‌رو اشاره کرد؛ «عزت‌الله رکوعی» براساس اشاره‌های متون تاریخی مبنی بر کشته شدن خلیفه در نزدیک دروازهٔ شهر و هم‌چنین قدمت تاریخی گنبد سُرخ نسبت به سایر

مقابر دوره سلجوقی، گنبد سرخ را به‌عنوان مقبره خلیفه در نظر گرفت (رکوعی، ۱۳۷۷: ۲۰۵). «یوسف بیگ باباپور» در تحقیقات خود درباره تاریخ مراغه، از یک بنای تاریخی در مجاور گنبد غفاریه با عنوان مقبره مسترشد نام برده است (بیگ باباپور، ۱۳۸۸: ۶۴-۵۹). «اصغر محمدزاده» نیز با ذکر دلایلی چون نزدیکی به دروازه شهر، وجود بنای تاریخی و مدرسه قدیمی در کنار گنبد غفاریه، محل مقبره خلیفه را در مجاورت گنبد غفاریه دانسته است (محمدزاده، ۱۳۹۷: ۳۵۸). این پژوهش‌ها بدون توجه به شواهد باستان‌شناختی و ردیابی دقیق اشارات متون مکتوب تاریخی درباره محل کشته‌شدن، دفن خلیفه و هم‌چنین بدون توجه به هسته مرکزی شهر در سده‌های میانی اسلامی نگاشته شده‌اند؛ بنابراین پژوهش حاضر برای نخستین بار به مطالعه مکان یابی مقبره مسترشد بالله، براساس منابع مکتوب تاریخی و تطبیق با شواهد باستان‌شناختی پرداخته است. اهمیت این پژوهش ضمن شناسایی یکی از قدیمی‌ترین مقابر آذربایجان ایران در دوران اسلامی، در شناخت پیشینه تاریخی هسته مرکزی شهر مراغه نیز حائز اهمیت است.

خلیفه مسترشد بالله و حوادث تاریخی مرتبط با آن

«ابومنصور فضل بن مستظهر بن مقتدی بن ذخیره الدین بن قائم بن قادر بن اسحق بن مقتدر بن معتضد بن موفق بن متوکل بن معتصم بن هارون الرشید بن مهدی بن منصور بن محمد بن علی بن عبد الله بن عباس نوزدهم» است (عمادالدین کاتب، ۱۳۷۵: ۲۹؛ مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۵۸). مسترشد، در ربیع‌الاول سال ۴۸۵ ه.ق. متولد شد (سیوطی، ۱۴۳۴: ۶۶۳). اهالی شهر بغداد وی را «المسترشد بالله» لقب دادند. «خواندمیر» در توصیف شخصیت مسترشد نوشته است: «... مسترشد به صفت فصاحت و بلاغت اتصاف داشت و معنی بسیار در ضمن اندک لفظی بر لوح بیان می‌نگاشت» (خواندمیر، ۲/۱۳۸۰: ۳۱۸). مسترشد در علم حدیث مهارت زیادی داشت (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۵۸) و از صفات وی داشتن نیکوروی، سرخ‌موی و سپیدلون، تابنده‌روی و به شکوه و نیکو سیرت (مجمع‌التواریخ، ۱۳۷۹: ۲۹۸) و مردی فاضل، کریم، دلاور و هنرمند و راست‌گو بود (ابوشامه، ۱/۱۹۹۷: ۱۵۹؛ تاریخ بناکتی، ۱۳۴۸: ۲۰۰).

خلیفه مسترشد بالله، خلیفه ۲۹ عباسی است (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۵۸) که در ذی‌حجه اندر سن احدی عشر و خمسمایه و اندر اول سنه اثنا عشر مولانا السترشد بالله امیرالمومنین به خلافت بنشست (سیوطی، ۱۴۳۴: ۶۶۳؛ مجمع‌التواریخ، ۱۳۷۹: ۳۱۸) و ۲۳ سال خطبه به نام وی خوانده شد (ابن عربی، ۱۳۶۴: ۲۸۰). آغاز خلافت مسترشد هم‌زمان با تضعیف حکومت سلجوقیان بود؛ به دلیل هیبت و شکوهی تمام داشت سلاطین سلجوقی را محلی نمی‌گذاشت (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۵۸). در سده ششم هجری قمری بر قدرت خود افزود و چند شهر ایران را تصرف کرد (مستوفی، ۱۳۸۷: ۳۵۹؛ رشیدالدین، ۱۳۸۶: ۷۹). در زمان او «سلطان سنجر سلجوقی» به عراق لشکرکشی کرد و برادرزاده خود «محمود» را به جانشینی خود بر این سرزمین برگزید (تاریخ بناکتی، ۱۳۴۸: ۲۰۰). در زمان سلطنت محمودشاه سلجوقی، «غزان» در عراق

علیه سلطان سنجر شورش کرده و میان او و بردارانشان جنگ درگرفت و همین عامل باعث شد تا هرکدام از موالی آن‌ها در نواحی مختلف ادعای استقلال کنند (آقسرایبی، ۱۳۶۲: ۲۴). خلیفه از فرصت استفاده کرد و از سرای خلافت بیرون آمد و همهٔ امرا از ترک و عرب و هم غیر هم و نایبان و سلطان پیش وی آمدند و کمر بندگی در بستند تا به فردولت او دشمنان را سپری کردند (مجمع‌التواریخ، ۱۳۷۹: ۲۹۸)؛ بنابراین، خلیفه توانست مهم‌ترین دشمن خود «دبیس بن صدقه مزیدی» امیر شیعه مذهب حله را شکست دهد.

پس از محمود چند تن از شاهزادگان سلجوقی مدعی جانشینی سلطان محمود بودند و بدین منظور به جنگ با یک‌دیگر برخاستند و مدعیان سلطنت در تکاپوی به رسمیت شناخته شدن توسط دستگاه خلافت و ذکر نامشان در خطبه، پس از نام خلیفه بودند. با به قدرت رسیدن «سلطان مسعود سلجوقی» (۵۲۹-۵۴۷ ه.ق.) در دارالسلام ابتدا خطبه به نام او خوانده شد (خواندمیر، ۲/۱۳۸۰: ۳۲۰). میان سلطان مسعود و مسترشده به تدریج اختلافاتی پیش آمد و دلیل آن عدم خواندن نام سلطان مسعود در خطبه‌ها بود (جوینی، ۱۳۹۱/۳: ۸۰۴). سلطان مسعود می‌خواست به شیوهٔ گذشتگان، بر دستگاه خلافت سلطه داشته باشد، اما این امر مورد پذیرش مسترشده نبود؛ بنابراین در سال ۵۲۹ ه.ق. خلیفهٔ مسترشده به جنگ سلطان مسعود رفت (ابن عربی، ۱۳۶۴: ۲۸۴). خلیفه از پشتیبانی برخی از طایفه‌ها و امرای شهر بغداد و به خصوص از حمایت «سلطان داود» و «اتابک قرسنقر» برخوردار بوده است (رشیدالدین، ۱۳۸۶: ۷۹؛ راوندی، ۱۳۳۳: ۲۲۷).

خلیفه در نزدیک همدان با سلطان مسعود روبه‌رو شد (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۴)، در این زمان بسیاری از لشکریان خلیفه به وی خیانت کرده و به لشکر سلطان مسعود پیوستند (جوینی، ۱۳۹۱/۳: ۸۰۴). خلیفه با تعدادی از خویشاوندان خود در میدان نبرد تنها باقی‌ماند (رشیدالدین، ۱۳۸۶: ۲۱۱). سلطان مسعود، سپاه خلیفه را محاصره کرده و آن‌ها را شکست داد (ابن عربی، ۱۳۶۴: ۲۸۴) و بسیار از لشکریان او کشته شدند و عده‌ای نیز اسیر گشته یا فرار کردند (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۵). مسترشده‌بالله از سلطان سلجوقی شکست خورد و دستگیر گردید (جوینی، ۱۳۹۱/۳: ۸۰۴). اموال همراه خلیفه که حدود ۱۰ میلیون دینار تخمین زده می‌شد، همه به دست سپاهیان سلطان مسعود افتاد (طقطقی، ۱۳۶۷: ۴۰۸). سلطان مسعود دستور داد تا خلیفه را به همراه وزیر، قاضی القضاات بغداد و صاحب‌المخزن به مراغه بفرستند و خود به دلیل شنیدن خبر مخالفت «داوود بن محمد بن ملک‌شاه» به سوی آذربایجان رفته؛ به شهر مراغه رفت و با خلیفه دیدار کرد (خواندمیر، ۲/۱۳۸۰: ۳۲۱؛ ابن عربی، ۱۳۶۴: ۲۸۴).

سلطان مسعود بعد از اتراق در روستای نالِق از توابع مراغه (رشیدالدین، ۱۳۸۶: ۷۹)، برای اطلاع سلطان سنجر، نامه‌ای به وی نوشت (جوینی، ۳/۱۳۹۱: ۸۰۵). سلطان سنجر در پاسخ نامه چنین نوشت: «... حال امیرالمؤمنین را تلافی کند» (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۵)؛ دستگیری خلیفه، نامیمون و عذاب الهی را مقدر است (سیوطی، ۱۴۳۴: ۶۶۵)؛ به طوری که سلطان سنجر وزش بادهای سهمناک را ناشی

از دستگیری خلیفه در نظر گرفت (سیوطی، ۱۴۳۴: ۶۶۵؛ جوینی، ۳/۱۳۹۱: ۸۰۵). سلطان مسعود بعد از دریافت نامه، به محضر خلیفه رفت و خواستار توبه و عفو شد و برای خلیفه، خیمه، فرش، چهارپایان و هدایای فراوانی ارزانی کرد و از خلیفه تقاضای بخشش نمود (ابن جوزی، بی تا/۱۷: ۲۹۷؛ هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶-۲۹۵). سلطان سنجر بار دیگر رسولی فرستاد (سیوطی، ۱۴۳۴: ۶۶۵) که امیرالمؤمنین را همانا چنان چه عزیمت دارالسلام اندیشه باشد (ابن جوزی، بی تا/۱۷: ۲۹۷)، در آن باب استعداد و ترتیب که لایق چنان حضرتی باشد، ساخته کند (جوینی، ۳/۱۳۹۱: ۸۰۵). در ماه ذی القعدة این سال که هنوز خلیفه و سلطان در مراغه بودند از خراسان قاصدی رسید (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶)؛ و سلطان مسعود (رشیدالدین، ۱۳۸۶: ۷۹) و بعضی از موکلان که بر خلیفه گماشته بودند نیز به تماشا شدند (ابن عربی، ۱۳۶۴: ۲۸۴) و از محافظت خلیفه غافل گشته ناگاه جمعی از فدائیان ملاحظه به خیمه مسترشد درآمدند و او را شهید کردند (ابن جوزی، بی تا/۱۷: ۲۹۸؛ خواندمیر، ۲/۱۳۸۰: ۳۲۱؛ راحة الصدور، ۱۳۶۴: ۲۲۸؛ ابن عربی، ۱۳۶۴: ۲۸۴؛ فضل الله همدانی، ۱۳۸۶: ۷۹؛ ابوشامه، ۱/۱۹۹۷: ۱۵۹). در هفدهم ذی القعدة سنه تسع و عشرين و خمسمائه، سلطان مسعود جزع‌ها نمود و تعزیتی عظیم چنانک لایق جانبین باشد اقامت کرد (جوینی، ۳/۱۳۹۱: ۸۲۶)؛ و همه اکابر جهان که حاضر بودند سرها برهنه کردند (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶؛ خواندمیر، ۲/۱۳۸۰: ۳۲۱) و بر مرگ خلیفه گریستند (ابن جوزی، بی تا/۱۷: ۲۹۸).

موقعیت مکانی مقبره خلیفه مسترشد بالله بر اساس منابع تاریخی

مقبره مسترشد بالله با عنوان یکی از بناهای آرامگاهی بلده مراغه که توصیف آن در منابع مکتوب تاریخی سده‌های میانی اسلامی آمده است. هندوشاه در ذکر حوادث دوره سلجوقی، از کشته شدن خلیفه در شهر مراغه یاد کرده و محل مقبره را چنین توصیف نموده است: «... جنازه خلیفه را قضا، ائمه، اشراف و اعظم ممالک بر سرگرفتند و در مراغه بردند. در مدرسه اتابک محله قضا دفن کرده و گنبد عالی بساختند. در صفت درس آن مدرسه تعداد پنج گنبد قرار دارد که یکی از آن‌ها متعلق به خلیفه است» (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶). «خواندمیر» ضمن اشاره به دفن خلیفه در شهر مراغه، محل دفن جسد خلیفه را داخل یکی از مقابر اتابکان سلجوقی نوشته است: «... سلطان مسعود به مراسم تعزیت قیام نمود، فرمود تا جسد او را به مراغه تبریز برده، در مقبره یکی از اتابکان آذربایجان مدفون گردانیدند» (خواندمیر، ۲/۱۳۸۰: ۱۸۱)؛ «خواجه رشیدالدین همدانی» ضمن تأیید کشته شدن خلیفه در مراغه از روستایی بانام «نالق» به عنوان محل کشته شدن خلیفه یاد کرده است: «... خلیفه رو به آذربایجان نهاد، چون به مراغه رسید به دیه نالق نزول کرد، باطنیان فرصت نگاه داشتند، در نوبتی رفتند و او را کارد زده و بکشتند» (رشیدالدین، ۱۳۸۶: ۷۹). «عطامک جوینی» نیز محل دفن خلیفه را در داخل شهر مراغه می‌داند: «... جنازه خلیفه را در اندرون مراغه دفن کردند» (جوینی، ۳/۱۳۹۱: ۸۰۶). در برخی از منابع تاریخی نیز اشاره‌های مختصر به دفن خلیفه در شهر مراغه شده است (ابن شاکر،

۱۳۷۹: ۳۵۰). در اینجا اختلافی میان مطالب ذکرشده در متون بالا درباره محل دفن خلیفه مشاهده نمی‌شود؛ و از نوشته‌های برجای مانده از مورخان سده‌های میانی اسلامی چنین استنتاج می‌شود که محل دفن خلیفه در داخل شهر مراغه و محله اتابک و داخل حیاط مدرسه‌ای قرار داشت. این مقبره تا سده ۷ ه.ق. شناخته شده بود؛ به طوری که «ابن طقطقی» از این مقبره بازدید کرده است (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۴۰۸). با ورود ایلخانیان به مراغه، ماهیت تدفینی بسیاری از بناهای آرامگاهی به خانان ایلخانی مشهور گردید؛ به طوری که برج مقبره کبود که محل دفن «علاءالدین کرپه سلجوقی» و «سلافه خاتون» بوده به مقبره «دوقوزخاتون» مادر «هلاکوخان» اشتباه پیدا می‌کند. همین عامل باعث شده تا مقبره مُسْتَرشِد بالله عباسی از نظرها پنهان بماند و به مرور زمان محل دفن خلیفه در ساختار شهر مراغه مدفون شده است.

شواهد باستان‌شناختی

کاوش باستان‌شناختی در بافت تاریخی مراغه در سال ۱۳۸۰ ه.ش. به سرپرستی «علیرضا هژبری نوبری» و در سال ۱۳۹۷ ه.ش. به سرپرستی «محمد رحمت‌پور» در محوطه اطراف دو برج مقبره کبود و مدور انجام شد. نتایج این کاوش‌ها به شناخت وضعیت استقرار شهر مراغه در دوران اسلامی اهمیت قابل توجهی دارد؛ به طوری که در این کاوش‌ها ضمن این‌که پیشینه استقرار در قسمتی از هسته مرکزی شهر مراغه مشخص شد شواهدی از بقایای دو برج مقبره و سازه‌های معماری دیگر نیز شناسایی شده است. این قسمت از بافت تاریخی شهر مراغه به دلیل داشتن بناهای عام‌المنفعه چون: حمام خان، مدرسه تاریخی و مسجد شهیدین (حجت‌الاسلام) و مقابر تاریخی، ارزش مطالعاتی بیشتری دارد (تصویر ۱). پیشینه این بناها، عموماً به دوران سلجوقی و ایلخانی بازمی‌گردد.

براساس کاوش لایه‌نگاری (ترانشه ۱) انجام شده در این محوطه، میزان ضخامت حجم انباشت لایه‌ها نزدیک به شش متر بوده که تداوم استقرار دوره‌های مختلف اسلامی است (Sattarnejhad et al., 2020). در کارگاه‌های کاوش شده پس از برداشت



۱. محوطه کاوش شده
۲. محل مدرسه تاریخی
۳. مسجد شهیدین
۴. حمام خان
۵. برج مقبره کبود و مدور

► تصویر ۱. تصویر هوایی از محدوده کاوش و بناهای پیرامون آن (نگارندگان، ۱۳۹۹).

لایه‌های سطحی محوطه که عموماً آوار و لایه‌های متعلق به دوران صفوی، قاجار و معاصر بود، شواهدی از سازه‌های معماری متعددی کشف و شناسایی شد. این سازه‌ها دارای ساختار سنگی و آجری بوده‌اند. سنگ‌ها در ابعاد مختلف تراش خورده و با ملاط گچ و آهک به هم چفت و بست شده‌اند. در کارگاه (I/ترانشه) C6 قسمتی از یک دیواره سنگی شناسایی گردید. ساختار دیوار به صورت قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای است که با ملاط گچ و آهک به هم چفت و بست شده‌اند. این دیوار به عرض ۱۰۵ سانتی‌متر و طول آن در داخل کارگاه ۳۴۵ سانتی‌متر شناسایی گردید. این دیوار به نظر می‌رسد قسمتی از ساختار یک فضای عام‌المنفعه بوده است که تنها قسمتی از آن در داخل کارگاه شناسایی شد (رحمت‌پور، ۱۳۹۷: ۳۰۷).

در سایر گمانه‌های کاوش شده، شواهدی از معماری فضاهای مختلف کشف و شناسایی شد. مهم‌ترین آن پی سازه‌های مدور بوده که در فاصله حدود چهار متری سمت شمال و شمال غربی برج مقبره‌ها قرار داشت. این سازه‌های مدور دارای ساختار قلوه‌سنگی با ملاط آهک بوده و یک ردیف سنگ‌تراش در ازاره دیواره‌ها کار گذاشته شده که نمونه‌های آن در مقابر کیود و مدور باقی مانده است. براساس انباشت حاصل از تخریب این سازه‌ها، به نظر می‌رسد این پی‌های سنگی دارای ساختار آجری مزین به تزئینات کاشی‌کاری با لعاب فیروزه‌ای بوده است. آن‌چه از شواهد برمی‌آید، معماری مربوط به مقبره‌ها بوده که در اثر عوامل مختلف تخریب و در دوره‌های بعدی سازه‌های بر روی این آثار ایجاد شده است. از سازه‌های معماری دیگری که در فرآیند کاوش شناسایی شد، قسمتی از کف‌پوش سنگی است. این کف‌پوش سنگی دارای سنگ‌های تراش خورده در ابعاد مختلف بوده که به نظر می‌رسد در این قسمت از محوطه، سکوسازی (صفه سنگی) ایجاد شده است (تصویر ۲ و ۳).



تصویر ۲. قسمتی از بقایای معماری برج مقبره‌های تخریب شده (رحمت‌پور، ۱۳۹۷: ۱۵۲).



► تصویر ۳. قسمتی از کف سنگ‌فرش پیرامون برج‌مقبره‌های کاوش‌شده (رحمت‌پور، ۱۳۹۸: ۲۶۸).

یافته‌های سفالی

فصل اول کاوش در محوطهٔ برج‌مقبره‌های کبود و مدور مراغه، سفال‌های لعاب‌دار اسلامی شامل فیروزهٔ قلم‌مشکی، آبی سفید، سفالینه‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده و چندرنگ با نقاشی زیرلعاب، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد، سفال اسگرافیتو و آق‌کند به دست آمد (تصویر ۳، جدول ۱). سفالینه‌های اسگرافیتو و آق‌کند را از نظر تاریخ‌گذاری متعلق به سدهٔ شش تا پایان قرن هشتم هجری قمری (مهبجور و صدیقیان، ۱۳۸۸: ۱۱۱)، فیروزهٔ قلم‌مشکی به قرن ششم هجری قمری (آلن، ۱۳۸۷:



► تصویر ۳. تعدادی از سفال‌های محوطهٔ کبود و مدور مراغه (رحمت‌پور، ۱۳۹۷).

۳۷؛ رایس، ۱۳۷۵: ۷۶) و رواج لبه T شکل را عمدتاً مربوط به نیمه دوم سده‌های هفت و هشت هجری قمری دانست (خلیلی، ۱۳۸۴: ۱۶۲)؛ هم‌چنین سفالینه‌های چندرنگ زیرلعاب را عمدتاً متعلق به دوره ایلخانی (Hall, 59: 1973; 1934: 66) می‌توان در نظر گرفت. با توجه به شواهد و نیز پژوهش‌های تطبیقی می‌توان سفال‌های محوطه کبود و مدور مراغه را به قرون میانی اسلامی نسبت داد که نمونه‌های مشابه آن در محوطه‌های هم‌چون ورامین (چوبک، ۱۳۷۶: ۵۴)، نیشابور (Wilkinson, 1973: 280)، جرجان (Bahrami, 1988)، مشکین‌تپه زرنديه (مهجور و صدیقیان، ۱۳۸۸: ۱۱۹)، ارزانفود همدان (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۰-۷۷) و... شناخته شده است.

سایر یافته‌های فرهنگی محوطه کبود و مدور مراغه

از مهم‌ترین شواهد باستان‌شناختی به دست آمده در محوطه کبود و مدور مراغه، سکه‌ای از «ابوسعید ایلخانی» است. این سکه در میان لایه‌های فرهنگی انباشت شده از محوطه کشف و شناسایی شد، نمونه مشابه آن در موزه ایلخانی مراغه قابل مشاهده است؛ هم‌چنین قطعاتی از آجر لعاب‌دار، کاشی و چپوق‌های سفالی فراوانی در فرآیند کاوش کارگاه‌ها به دست آمد. وجود قطعات کاشی در حجم نسبتاً زیاد نشانگر تزئینات کاشی‌کاری بدنه برج مقبره‌های تخریب شده است که نمونه‌های سالم آن در بدنه برج مقبره‌های کبود و مدور باقی مانده‌اند (جدول ۱). این قسمت از محوطه در دوره‌های تاریخی (اشکانی-ساسانی)، اوایل اسلامی، سلجوقی، ایلخانی و پس از آن، مورد سکونت قرار گرفته است. بر همین اساس یافته‌هایی از این دوره‌ها نیز کشف و شناسایی شد.

نمونه قابل مقایسه	یافته فرهنگی			
	تعداد	قدمت	جنس	تصویر
 موزه ایلخانی مراغه	۱ عدد سکه	ایلخانی ابوسعید بهارذخان	مسی	
 برج مقبره کبود مراغه	شمار زیادی کشف شده است	سلجوقی	آجر و لعاب قلبایی	

جدول ۱. نمونه‌ای داده‌های فرهنگی کشف شده از محوطه کبود و مدور (رحمت‌پور، ۱۳۹۷: ۳۲۵).

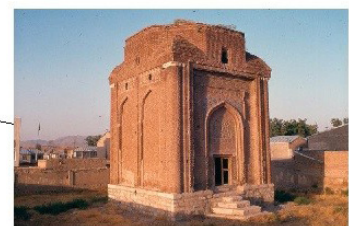
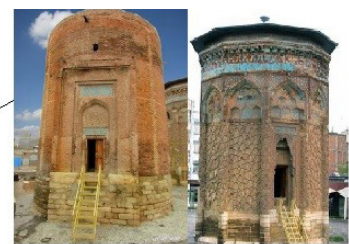
بررسی و تحلیل منابع تاریخی و داده‌های باستان‌شناختی

بی‌تردید مکتوبات تاریخی را می‌توان یکی از مطمئن‌ترین منابع در بازیابی سازمان فضایی شهرها به شمار آورد. این اسناد تاریخی به شکل مؤثری می‌توانند

در تشخیص تحولات مرتبط با شکل‌گیری، رشد و توسعه، استمرار و یا انهدام شهر مورد استفاده واقع شوند (کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۶: ۸۲) و به‌عنوان ابزاری قوی برای تحلیل‌های دقیق و مستند نزد باستان‌شناسان هستند (نیستانی و تقوی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). در تحلیل مکان‌یابی مقبره مُسْتَرشِد بالله، شواهد حاصل از نتایج کاوش باستان‌شناختی با داده‌های تاریخی انطباق داده شد و ارتباط سنجی داده‌ها به مکان‌یابی مقبره کمک شایانی کرد.

منابع مکتوب تاریخی، مراغه را در ایالت آذربایجان جای داده‌اند و آن را شهری مشهور و بزرگ عنوان کرده‌اند؛ که در گذشته دارالملک آذربایجان (رازی، ۱۳۸۹: ۳/۲۰۸) بوده و دارای باروی گلی، دژ و رَیْض (مقدسی، ۱۹۰۶: ۵۶۸) و بناهایی که به‌دستور مروان ساخته شده است (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۶۳). مراغه در سده‌های میانی اسلامی از مراکز مهم ایالت آذربایجان و بستر برخی از تحولات سیاسی این منطقه بوده است. یکی از حوادث مهم تاریخی دوره سلجوقیان ماجرای کشته‌شدن خلیفه عباسی و دفن او در محله آتابک (قُضات) مراغه و مجاور پنج‌گنبدان بوده است (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶). تاکنون موجودیت مقبره در بافت تاریخی شهر مراغه مجهول باقی مانده است؛ بنابراین برای رسیدن به مبانی نظری مناسب پیرامون مکان‌یابی مقبره خلیفه، نخست به منابع مکتوب تاریخی رجوع گردید و در وهله دوم با شواهد باستان‌شناختی تطبیق داده شد.

براساس متون تاریخی خلیفه در بیرون از شهر مراغه به‌دست گروهی از باطنیان کشته می‌شود (عمادالدین‌کاتب، ۱۳۷۵: ۲۹؛ مجمع‌التواریخ، ۱۳۷۹: ۳۵۰) و جنازه خلیفه را جمعی از بزرگان دینی و اهالی شهر در محله آتابک دفن کرده‌اند (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶). متون سده‌های هفت و هشت هجری قمری، محل دفن خلیفه را درون شهر، محله آتابک و داخل حیاط مدرسه‌ای نوشته‌اند (خواندمیر، ۱۳۸۰/۲: ۱۸۱)؛ بنابراین برای تحلیل و روشن‌شدن مکان خلیفه ابتدا به واکاوی محدوده محله آتابک در بافت تاریخی شهر مراغه پرداخته می‌شود. شهر مراغه از چهار محله قدیمی با اسامی: کوی آتابک، کوی سالار، کوی میدان و کوی دروازه



► تصویر ۵. تعیین محلات تاریخی مراغه براساس تعارف محمدصادق خان، برروی نقشه سال ۱۳۵۷ شمسی (ثمودی، ۱۳۹۵: ۴۳) و موقعیت مکانی مقابر دوره سلجوقی (تطبیق توسط نگارندگان، ۱۳۹۹)

تشکیل می‌شده است (غلامیه، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۴). این محلات به وسیله حصار خشتی که پیشینه آن حداقل به سده‌های نخست اسلامی بازمی‌گردد (مقدسی، ۲/۱۹۰۶: ۵۶۸)، محصور شده بود. در دوره قاجاریه حصار شهر دارای دروازه‌هایی به اسامی: احمدی، کوره‌خانه، حاج میرزا، آق‌داش، دیوار قلعه و دروازه قطب بوده است. با گسترش کالبدی شهر، هم‌چنان برخی از محلات، اسامی تاریخی و محدوده تقریبی خود را حفظ کرده‌اند و برخی از مقابر اتابکان سلجوقی در محدوده این محله‌ها امروزه باقی‌مانده است (تصویر ۴).

کوی اتابک، یکی از محله‌های قدیمی شهر مراغه است که پیشینه نام این محل حداقل به سده‌های میانی اسلامی بازمی‌گردد. در این محله بناهای تاریخی چون: مدرسه اتابکیه، مقابر اتابکان سلجوقی، مقبره مسترشد بالله خلیفه عباسی، حمام خان، مسجد حجت‌السلام (شهیدین) و مسجد اتابیکه (شجاع‌الدوله) قرار داشته است. محدوده امروزی محله اتابک (آتابیگ) بدین شرح است: از جنوب به خیابان اوحدی و از شرق به خیابان خواجه نصیر محدود بوده و در قدیم منازل موجود در این ناحیه از سمت غرب به ساحل رودخانه صوفی‌چای محدود می‌شده است (بیگ‌باباپور، ۱۳۸۸: ۱۷). کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۰ ه.ش. به سرپرستی علیرضا هژبری نوبری و سال ۱۳۹۷ ه.ش. به سرپرستی «محمد رحمت‌پور» در محله اتابک، منجر به کشف سازه‌های معماری مختلفی از قرون میانی و متأخر اسلامی شد. در کاوش سال ۱۳۸۰ شواهدی از دو سازه معماری مدور و یک بقعه مستطیلی کشف و شناسایی شد که به نظر بقایای قسمتی از برج مقبره است که نمونه‌های مشابه آن در کاوش سال ۱۳۹۷ شناسایی شد (رحمت‌پور، ۱۳۹۷). این آثار معماری در فاصله حدود چهارمتری سمت شمال و شمال‌غربی برج مقبره‌های کبود و مدور قرار دارد و از نظر پلان، ساختار، عناصر تزئینی و معماری بسیار شبیه به برج مقبره‌های کبود و مدور است (جدول ۲)؛ بنابراین در این محدوده تاکنون شواهدی از پنج مقبره شناسایی شده که با نوشته‌های منابع مکتوب تاریخی مبنی بر وجود پنج گنبدان در محله اتابک مراغه (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶) قابل تطبیق است. در منابع تاریخی اشاره شده است؛ که این مقابر در داخل حیاط مدرسه‌ای قرار داشتند (هندوشاه، ۱۳۵۷: ۲۹۶). پیشینه این مدرسه حداقل به دوره سلجوقی بازمی‌گردد. در تصاویر باقی‌مانده از دوران قاجار و پهلوی در این محدوده مدرسه‌ای تاریخی به چشم می‌خورد. این مدرسه تاریخی هم‌جوار با مسجد شهیدین (حجت‌السلام) بوده است. ابن فوطی در توصیف مقبره علاءالدین ارسلان بن کرپه و سلافه خاتون در مراغه اشاره به مدرسه‌ای تاریخی کرده است (ابن فوطی، ۲/۱۳۷۴: ۳۴۳). مقبره علاءالدین ارسلان و سلافه خاتون سلجوقی همان مقبره کبود است که در دوره قاجاریه به دلیل عدم شناخت از ماهیت متوفی، بانام دوقوزخاتون، مادر هلاکوخان اشتهار پیدا کرده است؛ با این حال، وجود برج مقبره سلجوقی کبود، در این محدوده نشان می‌دهد که مقبره در داخل حیاط مدرسه قرار داشته است. تصاویر باقی‌مانده از دوران قاجاریه و پهلوی از محدوده برج مقبره کبود نشان می‌دهد که این مقابر هم‌جوار با مدرسه تاریخی بوده‌اند (تصویر ۵).

► جدول ۲. مقایسهٔ برج‌مقبره‌های محلهٔ اتابکیه مراغه (نگارندگان، ۱۳۹۹).

برج مقبره	تاریخ کتیبه	تصویر	پلان	ساختار بی	ساختار بنا
کیود	۵۹۳ ه.ق.			قلوه‌سنگ رودخانه، سنگ معدنی سینجان	آجر تراش‌خورده، کاشی
مدور	۵۶۳ ه.ق.			قلوه‌سنگ رودخانه، سنگ معدنی سینجان	آجر تراش‌خورده، کاشی
برج شماره ۳	سلجوقی			قلوه‌سنگ رودخانه، سنگ معدنی سینجان	آجر تراش‌خورده، کاشی
برج مقبره شماره ۴	سلجوقی			قلوه‌سنگ رودخانه، سنگ معدنی سینجان	آجر تراش‌خورده، کاشی
مقبره شماره ۵	سلجوقی (۵۳۰ ه.ق.)			قلوه‌سنگ رودخانه، سنگ معدنی سینجان	آجر تراش‌خورده، کاشی



► تصویر ۶. تصویر قسمتی از مدرسه تاریخی مجاور مقبره کیود (مروارید، ۱۳۶۰: ۲۱۲؛ محمدزاده، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

با در نظر گرفتن داده‌های فوق و انطباق آن با محدوده برج مقبره کبود و مدور می‌توان حدس زد که مقبره خلیفه ۲۹ عباسی یکی از مقبره‌های موجود در محله اتابک مراغه است؛ که امروزه پنج عدد از آن‌ها شناسایی شده است. با توجه به تاریخ کتیبه موجود در سردر مقبره کبود (۵۹۳ ه.ق.) و مدور (۵۶۳ ه.ق.) که با تاریخ شهادت خلیفه حداقل فاصله زمانی ۳۳ و ۶۳ ساله دارند، این دو مقبره نمی‌تواند متعلق به خلیفه عباسی باشد؛ بنابراین یکی از سه مقبره تخریب‌شده متعلق به مسترشد بالله عباسی است. در تصاویر باقی‌مانده از آثار مراغه، در آلبوم «علی خان والی»، تصویری از یک بقعه بانام «شهیدان» وجود دارد. این بقعه با پلان مستطیلی شکل بوده که در ساختار ازاره آن سنگ‌های تراش‌خورده از نوع «سینجان» به‌کاررفته است. موقعیت این بقعه در مراغه مشخص نشده است؛ با این حال، در زیرنویس تصویر عبارت «شهیدان» نوشته شده است. واژه «شهیدین» همان طوری که اشاره شد نام قدیمی مسجد حجت‌الاسلام یا شهدای امروزی است؛ بنابراین بقعه شهیدین در محدوده مسجد شهدا قرار دارد. در مجاور برج مقبره شماره ۴ بقعه‌ای تاریخی دیگر با پلان مستطیلی کشف و شناسایی شد. این بقعه که در کاوش سال ۱۳۸۰ شناسایی شده بود، دارای پی‌سنگی از نوع رودخانه‌ای و جنس

جدول ۳. مطالعه تطبیقی مقبره شماره ۵ با بقعه شهیدان (نگارندگان، ۱۳۹۹). ▼

مقبره	تصویر	پلان	ساختار پی	ساختار نمازخانه (بنا)	منبع
شماره ۵		مستطیل	سنگ‌های معدنی سینجان	آجری	(رحمت‌پور، ۱۳۹۹: ۱۵۲)
بقعه شهیدان	 خانه معروف شهیدان در مراغه در صورتی است که پی‌سنگی رودخانه‌ای	مستطیل	سنگ‌های معدنی سینجان	آجری	https://iif.lib.harvard.edu/manif-ests/view/drs:6665026\$12i

سنگ‌های ازاره آن از نوع سنگ‌های سینجان است. مقایسه ساختار و پلان این بنای تاریخی با تصویر ثبت شده از آلبوم علی خان والی شباهت‌های موجود میان آن‌ها را نشان می‌دهد (جدول ۳)؛ بنابراین مقبره شماره پنج، همان بقعه شهیدان است که محل دفن خلیفه مسترشد بالله عباسی بوده که توسط فداییان شهید شده است. وجه تسمیه بقعه نیز اشاره به شهادت خلیفه عباسی دارد. این مقبره در دوره قاجار مرمت شده؛ با این حال براساس نوشته علی خان والی تخریب شده است. پس از دوره قاجار بقعه به طور کامل تخریب شده و نام و مکان آن رو به فراموشی نهاده است؛ با این حال، نام بقعه تا دوره معاصر در مسجد شهدا (حجت‌السلام) باقی مانده است.

نتیجه‌گیری

براساس مطالعات انجام شده، مقبره مسترشد بالله عباسی به عنوان یکی فضاهای آئینی-تدفینی مراغه بود که در دوره سلجوقی احداث شده است. به طور کلی متون برجای مانده از مورخان و جغرافی دانان سده‌های میانی اسلامی، موقعیت مقبره مسترشد بالله عباسی را در محله اتابک مراغه و داخل حیاط مدرسه‌ای نوشته‌اند. محله اتابک تا به امروز نام سابق خود را حفظ کرده و هنوز هم در محدوده تقریبی آن در هسته مرکزی مراغه قابل شناسایی است. محله اتابک در محدوده خیابان خواجه نصیر و اوحدی قرار دارد و امروزه آثاری از برج مقبره‌های سلجوقی در این محدوده باقی مانده است. در این محله بناهای مذهبی چون مسجد اتابکی (شجاع‌الدوله)، مسجد حجت‌الاسلام (شهیدین / زنجیرلی / شهدا) و سایر مساجد تاریخی شهر هنوز موجودیت خود را با وجود تغییرات محسوس حفظ کرده‌اند. براساس سفال‌ها یافت شده از کاوش محدوده برج مقبره‌های کبود و مدور مربوط به سده‌های اوایل و میانی اسلامی می‌توان دریافت که استقرار در این محدوده شهر از سده‌های نخست اسلامی به بعد وجود داشته است.

شواهد کلی برای مکان‌یابی مقبره خلیفه عباسی در این قسمت از محدوده شهر وجود پنج مقبره از دوره سلجوقی، مدرسه تاریخی، مسجد، اشاره‌های منابع تاریخی و تصاویر باقی مانده از دوره قاجاریه به هم‌جواری این بناها در محله اتابکیه (قضات) است. براساس کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۷ در محدوده کبود و مدور تعداد پنج مقبره شناسایی و خاناسازی شد. مطالعه تطبیقی منابع تاریخی با شواهد باستان‌شناختی مشخص کرد که بقعه شماره پنج که پلان مستطیلی دارد، متعلق به خلیفه ۲۹ عباسی است. تنها تصویر باقی مانده از این بقعه متعلق به علی خان والی بوده که نام بقعه را «شهیدان» نوشته است. ساختار اصلی این بقعه متعلق به دوره سلجوقی (۵۳۰ ه.ق.) بوده که در دوران بعدی به خصوص قاجاریه مرمت شده است؛ با این حال، بقعه مسترشد بالله به مرور زمان به طور کامل تخریب شده و نام آن امروزه در مسجد (شهدا/حجت‌السلام) مجاور خود باقی مانده است.

پی‌نوشت

۱. با توجه به خاکبرداری‌های سال‌های اخیر در این محوطه، بقایای مقبره شماره پنج آسیب بسیاری دیده و اثر چندانی از آن باقی نمانده است. از آنجایی که گزارش کاوش باستان‌شناختی سال ۱۳۸۰ ارائه نشده است؛ بر همین اساس تنها یک تصویر که به صورت دورنمایی از آن گرفته شده که در متن مقاله استفاده شده است.
۲. پیشینه مدرسه در مجاور مقبره کبود و مدور به دوره سلجوقی بازمی‌گردد و دوره‌های اخیر نیز در این محل مدرسه‌های ساخته شده است که در متن مقاله تصویر یکی از این مدارس آورده شده است.

کتابنامه

- آقسرایبی، محمود بن محمد، ۱۳۶۲، تاریخ سلاجقه یا مسامره الاخبار و مسایره الاخیار. تصحیح: عثمان توران، تهران: اساطیر.
- آلن، ویلسون، ۱۳۸۳، سفالگری اسلامی. ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، بی‌تا، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک. جلد ۱۷، بیروت: دارالکتب.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل، ۱۹۳۸، صورة العرض. جلد ۲، بیروت: انتشارات دار صادر.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، ۱۸۸۹، مسالک و ممالک. بیروت: دار صادر.
- ابن‌رسته، احمد ابن عمر، ۱۸۹۲، اعلاق النفسیه. بیروت: دار صادر.
- ابن طقطقی، محمد بن علی، ۱۳۶۷، تاریخ فخری: در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی. ترجمه محمدرحیم گلیایگانی، تهران: علمی فرهنگی.
- ابن عربی، غریغرویوس بن هارون، ۱۳۶۴، مختصر تاریخ الدول. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی فرهنگی.
- ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۷۴، مجمع الاداب فی معجم الالقباب. جلد ۲، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابوشامه، أبو القاسم شهاب‌الدین عبد الرحمن بن إسماعیل بن إبراهیم المقدسی دمشقی، ۱۹۹۷، عیون الروضتین فی أخبار الدولتین التوریه و الصلاحیه. جلد ۱، بیروت: مؤسسه الرساله.
- بلاذری، احمد ابن یحیی، ۱۳۶۷، فتوح البلدان. ترجمه محمد توکل، تهران: انتشارات نقره.
- بناکتی، فخرالدین ابوسلیمان، ۱۳۴۸، تاریخ بناکتی (روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب). به کوشش: جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۸۸، مزارات سنگ نوشته‌ها و اسناد مراغه. قم: انتشارات مجمع ذخائر اسلامی.
- بیگلری، فریدون؛ و غفاری، رضا، ۱۳۸۴، «گزارش مقدماتی کشف صنایع سنگی پارینه سنگی میانی در نزدیکی مراغه جنوب شرقی دریاچه ارومیه». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران حوزه شمال غرب، به کوشش: مسعود آذرنوش، صص: ۱۷-۱۶.
- ثمودی، رقیه، ۱۳۹۵، «طرح مرمت شهری و ساماندهی محله موسوی شهر مراغه با تأکید بر محور اصلی و میدان تاریخی حمام خان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت شهری، دانشگاه هنر اصفهان.

- جوینی، علاء‌الدین عطاملک محمد، ۱۳۹۱، تاریخ جهانگشای. تصحیح: محمد قزوینی، تهران: آگاه.
- چایچی‌امیرخیز، احمد، ۱۳۸۵، بررسی و مطالعه آثار اَبسیدین در شرق دریاچه ارومیه. گزارش عملکرد پژوهشکده باستان‌شناسی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- چوبک، حمیده، ۱۳۷۶، سفال‌های اسلامی قلعه پوینیک. گزارش باستان‌شناسی، تهران: میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۴۲۳، محقق: یوسف هادی، قاهره: انتشارت دار الثقافیه للنشر.
- حموی، یاقوت، ۱۳۲۵، معجم البلدان. تهران: انتشارات میراث‌فرهنگی و گردشگری.
- خلیلی، ناصر، ۱۳۸۴، سفال اسلامی. تهران: کارنگ.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی المدعوبه، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. جلد دوم، زیر نظر: محمد دبیرسیاقی، تهران: اساطیر.
- رازی، امین‌احمد، ۱۳۸۹، (۱۰۱۰ ه.ق.)، هفت اقلیم. محقق: جواد فاضل، تهران: ناشر علی‌اکبر علمی.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، ۱۳۳۳، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق. تصحیح: محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- رایس، تالبوت، ۱۳۷۵، هنر اسلامی. ترجمه ماه ملک بهار، تهران: علمی فرهنگی.
- رحمت‌پور، محمد، ۱۳۹۷، «گزارش کاوش اضطراری در محوطه اطراف گنبد‌های کبود و مدور مراغه». اداره کل میراث‌فرهنگی استان آذربایجان شرقی، (منتشر نشده).
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۸۶، جامع التواریخ (تاریخ آل سلجوق)، مصحح: محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.
- رکوعی، عزت‌الله، ۱۳۷۷، سرزمین ما (مروری بر تاریخ معماری ایران). تهران: کیوان.
- زارعی، محمدابراهیم؛ خاکسار، علی؛ مترجم، عباس؛ فرهاد امینی، فرهاد؛ و دینی، اعظم، ۱۳۹۳، «بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزنفود». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۲، صص: ۷۳-۹۰.
- ستارنژاد، سعید؛ حاجی‌زاده، کریم؛ رضالو، رضا؛ و معروفی‌اقدام، اسماعیل، ۱۳۹۹، «طبقه بندی و تحلیل معماری دستکند در شهرستان مراغه». مسکن و محیط روستا، شماره ۱۷۰، صص: ۶۶-۵۳.
- ستارنژاد، سعید؛ رحمت‌پور، محمد؛ و ژاله‌اقدام، جواد، ۱۴۰۰، «گزارش مقدماتی کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور مراغه (آذربایجان شرقی، ایران)». فصلنامه علمی اثر، شماره ۴۲ (۱)، صص: ۸۱-۶۲.

- سولکی، رالف، ۱۳۷۸، «بررسی‌های باستان‌شناختی در آذربایجان غربی». مجموعه مقالات باستان‌شناسی و هنر ایران. ۳۲ مقاله در بزرگداشت عزت‌الله نگهبان، مؤلفان: صادق ملک‌شهمیرزادی، یوسف مجیدزاده، عباس علیزاده، تهران: نشر دانشگاهی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۳۴، حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة. بیرون، دارالکتب.
- عمادالدین کاتب، محمد بن محمد، ۱۳۷۵، خزیده القصر و خزیده العصر. بغداد: مطبة المجمع العلمی العراقی.
- غلامیه، مسعود، ۱۳۸۵، تاریخ مراغه به روایت تصویر. تهران: اوحدی.
- قزوینی، ذکریا بن محمد، ۱۳۷۳، آثار العباد اخبار البلاد، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۳، «بررسی‌های باستان‌شناسی آذرشهر و مراغه، حرفی دیگر درباره ساختمان چند خانقاه و مسجد». مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۲، صص: ۱۴۰-۱۶۳.
- کریمیان، حسن؛ و رحیم‌نژاد، مریم، ۱۳۹۶، «ساوه در گذر زمان (تحولات تاریخی شهر ساوه با اتکا به منابع مکتوب)». پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۹، شماره ۱، صص: ۱۰۲-۸۱.
- لسترنج، گی، ۱۳۷۷، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجمع‌التواریخ و القصص، ۱۳۷۹، تصحیح: ملک‌الشعراء بهار، تهران: طلایه.
- محمدزاده، اصغر، ۱۳۹۱، مراغه قدیم. تهران: اوحدی.
- محمدزاده، اصغر، ۱۳۹۷، تاریخ دارالمک مراغه. تهران: اوحدی.
- مرادی، ابراهیم، ۱۳۹۳، «مکان یابی مرهشی باستان براساس داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی». مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص: ۹۹-۱۱۰.
- مروارید، یونس، ۱۳۶۰، مراغه. تهران: اوحدی.
- مستوفی، حمدالله، ۱۳۸۷، تاریخ گزیده. به اهتمام: عبدالحسین نوایی، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۹۰۶، احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم. بیروت: دارالصادر
- مهجور، فیروز؛ و صدیقیان، حسین، ۱۳۸۸، «بررسی سفال‌های اسلامی محوطه مشکین‌تپه پرنده در استان مرکزی». مجله پیام باستان، سال ۶، شماره ۱۲، صص: ۱۲۰-۱۰۵.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۱۳۶۸، تنسوخ‌نامه ایلخانی. مصحح: محمدتقی مدرس‌رضوی، تهران: اطلاعات.
- نیستانی، جواد؛ و تقوی، عابد، ۱۳۸۹، «مکان‌یابی پادگان‌های نظامی طبرستان در صدر اسلام براساس منابع مکتوب». دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صص: ۱۴۳-۱۲۷.

- نیکنامی، کمال‌الدین؛ و رفیعی‌علوی، بابک، ۱۳۸۸، «چرا نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقهٔ کرمان قرار داشته باشد». مطالعات باستان‌شناسی، سال ۱، شمارهٔ ۱، صص: ۲۱۵-۱۹۹.

- ورجاوند، پرویز، ۱۳۶۶، کاوش رصدخانهٔ مراغه و پیشینهٔ ستاره‌شناسی در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- هندوشاه بن سنجر، ۱۳۵۷، تجارب السیف. مصحح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری.

- Abu Shama, A., 1997, *Eyes of the Companions in the News of the State of Light and Correction*. Volume 1, Beirut: Al-Risalah Foundation.

- Allen, W., 2004, *Islamic Pottery, translated by Mahnaz Shayestehfar*. Tehran: Institute of Islamic Art Studies.

- Aqsarai, M., 1983, *History of Seljuk or Masamra al-Akhbar and Masayra al-Akhyar*. edited by: Osman Turan, Tehran: Asatir.

- Atil, E., 1973, *Freer gallery of Art Fifth Anniversary Exhibition III, ceramic from the world of Islam*. Wasingtin, Smthonian Institution.

- Bahrami, M., 1988, *Gorgan Faiences*. Mazda publisher.

- Beig Babapour, Y., 2009, *Tombstones of Maragheh inscriptions and documents*. Qom: Publications of the Islamic Reserves Association.

- Benakati, F., 1348, *History of Banakati* (the first shrine of Al-Albab in the knowledge of histories and genealogy). by: Jafar Shaar, Tehran: National Works Association.

- Bigleri, F. & Ghaffari, R., 2005, "Preliminary report on the discovery of Middle Paleolithic stone industries near Maragheh, southeast of Lake Urmia". *Proceedings of the International Archaeological Conference of Iran, Northwest*, by: Massoud Azarnoush, Pp: 17-16.

- Blazeri, A., *The Conquest of Countries*. Translated by: Mohammad Tavakol, 1988, Tehran: Silver Publishing.

- Chaichi, A., 2006, *A Study of Obsidian Works in the East of Lake Urmia*. Performance Report of the Archaeological Research Institute, Tehran: Cultural Heritage Organization.

- Chubak, H., 1997, *Islamic Pottery of Poinik Castle*. Archaeological Report, Tehran: Cultural Heritage and Tourism.

- *Collection of Chronicles and Stories*, 2000, Correction of the King of Spring Poets, Tehran: Talaieh.

- Emad al-Din Katib, M., 1996, *Al-Qasr and Al-Asr newspapers*. Baghdad: Iraqi Scientific Association Press.

- Gholamieh, M., 2006, *History of Maragheh according to the image*. Tehran: Ouhadi.
- Godard, A., 1934, *Les Monuments de Maragha (pamphlet)*. Leroux, Paris.
- Hall, A. R., 1934, "A new collection of Islamic Pottery". *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, No. 32, Pp: 58-67.
- Hamavi, Y., 1325, *Al-Baldan Dictionary*. Tehran: Cultural Heritage and Tourism Publications.
- Herzfeld, E., 1936, *Arabische Inschriften aus Iran und Syrien*. Archäologische Mitteilungen aus Iran, 8.
- Hillenbrand, R., 1974, *The tomb towers of Iran to 1550* (Doctoral dissertation, University of Oxford).
- Hindushah Ibn Sanjar, 1978, *The Experiences of Saif*. edited by Abbas Iqbal Ashtiani, Tehran: Tahoori.
- Hudud al-Alam from the East to the West, 1423, *Mohaqqeq Yusuf Hadi*. Cairo: Publisher of the Cultural Publishing House.
- Ibn Arabi, Gh., 1985, *Brief History of the State*. Translated by: Abdul Mohammad Ayati, Tehran: Cultural Science.
- Ibn Futi, K., 1995, *Al-Adab Complex in the Dictionary of Titles*. Volume 2, Tehran: Islamic Culture and Guidance.
- Ibn Hawql, M., 1938, *Surah Arz*. Volume 2, Beirut: Dar Sader Publications.
- Ibn Jawzi, A., Bitā, *Al-Muntazam in the history of nations and kings*. Volume 17, Beirut: Dar al-Kitab.
- Ibn Khordadbeh, O., 1889, *Masalak wa Mamalak*. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Rasta, A., 1892, *Alaq al-Nafsiyah*. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Taqtaqi, M., 1988, *History of Pride: In the Etiquettes of Property and Islamic States*. Translated by: Mohammad Rahim Golpayegani, Tehran: Cultural Science.
- Jovini, A. & Atamelak, M., 2012, *History of Jahangshahi*. edited by: Mohammad Qazvini, Tehran: Agah.
- Kambakhsh Fard, S., 1373, "Archaeological Surveys of Azarshahr and Maragheh, another article about the construction of several monasteries and mosques". *Journal of Cultural Heritage*, No. 12, Pp: 140-163.
- Karimian, H. & Rahimnejad, M., 1396, "Saveh over time (Historical developments in Saveh based on written sources)". *Historical Sciences Research*, Vol. 9, No. 1, Pp: 102-81.
- Khalili, N., 2005, *Islamic Pottery*. Tehran: Karang.

- Khwandmir, Gh., 2001, *History of Habib Al-Seer in the News of Human People*. Volume II, under the supervision of Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: Asatir
- Kleiss, W., 1969, "Bericht über zwei Erkundungsfahrten in Nordwest-Iran". *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, No. 2, Pp: 7-119.
- Lestering, G., 1998, *Historical Geography of the Eastern Caliphate*. Translated by: Mahmoud Erfani, 3rd edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Mahjoor, F. & Sedighyan, H., 2009, "A Study of Islamic Pottery in Meshkinatepe Parandak Area in Markazi Province". *Payam Bastan Magazine*, Vol. 6, No. 12, Pp: 120-105.
- Mohammadzadeh, A., 1397, *History of Dar al-Muk Maragheh*. Tehran: Ouhadi.
- Moqaddasi, A., 1906, *Ahsan al-Taqasim fi al-Ma'rifah al-Aqalim*. Beirut: Dar al-Sadr
- Moradi, E., 2014, "Ancient Marashi location based on historical and archaeological data". *Archaeological Studies*, No. 1, Pp: 110-99.
- Morvarid, Y., 1981, *Maragheh*. Tehran: Ouhadi.
- Mostofi, H., 2008, *Selected History*. by: Abdolhossein Navai, Fifth Edition, Tehran: Amirkabir.
- Nasir al-Din al-Tusi, M., 1989, *Ilkhani Tansukhnameh*. Mohasses Mohammad Taghi Modarres Razavi, Tehran: Information.
- Neyestani, J. & Taghavi, A., 2010, "Location of Tabarestan military barracks in the beginning of Islam based on written sources". *Encyclopedia of Social Sciences*, Vol. 1, No. 4, Pp: 143-127.
- Niknami, K. & Rafiei Alavi, B., 2009, "Why the name Shimashki probably can not be located in Kerman region". *Archaeological Studies*, Vol. 1, No. 1, Pp: 215-199.
- Qazvini, Z., 1994, *Al-Ebad Works, Akhbar Al-Balad*. Translated by: Mirza Jahangir Qajar, Tehran: Amirkabir Publishing.
- Rahmatpour, M., 1397, "Report of emergency excavation in the area around the blue and circular domes of Maragheh". General Directorate of Cultural Heritage of East Azerbaijan Province, (Unpublished).
- Rashid al-Din Fazlullah Hamedani, 2007, *Comprehensive Chronicles (History of the Seljuks)*. edited by Mohammad Roshan, Tehran: Written Heritage.
- Ravandi, M., 1333, *Raha Al-Sadr and the verse of Al-Sarwar in the history of Al-Seljuq*. edited by: Mohammad Iqbal, Tehran: Amirkabir.

- Razi, A., 2010 (1010 AH), *Haft Iqlim*. Mohaghegh Javad Fazel, , Tehran: Publisher: Ali Akbar Elmi.
- Rice, T., 1996, *Islamic Art*. Translated by: Malek Bahar, Tehran: Scientific and Cultural.
- Rokouei, E., 1998, *Our Land* (A Review of the History of Iranian Architecture). Tehran: Keyvan.
- Sadek-Kooros, H., 1976, "Earliest Hominid Traces in East Azerbaijan". In: *Proceedings of the Fourth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran* (Pp: 1-10).
- Sattarnezhad, S.; Парвин, С. & Хендиани, Э., 2020, "CHRONOLOGY OF THE HISTORICAL CONTEXT OF MARAGHEH CITY BASED ON ARCHAEOLOGICAL EXPLORATION AND HISTORICAL WRITTEN SOURCES". *Краткие сообщения Института археологии*, No. 260, Pp: 397-406.
- Sattarnezhad S.; Rahmatpour M. & Jaleh Aghdam J., 2021, "Preliminary Report of Archaeological Excavation of Kaboud - Circular Site of Maragheh (East Azerbaijan, Iran)". *Athar*, No. 42 (1), Pp: 62-81.
- Siouti, A., 1434, *Hassan al-Muhaddirah in the news of Egypt and Cairo*. outside, Dar al-Kitab.
- Solki, R., 1999, "Archaeological Surveys in West Azerbaijan". *Collection of Archaeological and Artistic Articles of Iran 32 Articles in Honor of Ezatullah Neghaban*, Authors Sadegh Malek Shahmirzadi, Yousef Majidzadeh, Abbas Alizadeh, Tehran: University Press.
- Starnejad, S.; Hajizadeh, K.; Rezaei, R. & Maroofi Aghdam, I., 1399, "Classification and analysis of Dastkand architecture in Maragheh city". *Housing and rural environment*, No. 170, Pp: 66-53.
- Thamoudi, R., 2016, "Urban Restoration Plan and Organizing Mousavi Neighborhood in Maragheh with Emphasis on the Main Axis and Historic Bath Square". M.Sc. Thesis in Urban Restoration, Isfahan University of Arts.
- Varjavand, P., 1987, *Exploring the Maragheh Observatory and the Background of Astronomy in Iran*. Tehran: Amirkabir Publications.
- Wilkinson, C. K., 1973, *Nishapur: Pottery of the early Islamic period*. New York, The.
- Zarei, M. E.; Khaksar, A.; Motarjem, A.; Amini, F. & Dini, A., 2014, "Study and study of pottery from the Ilkhanid period archaeological excavations". *Archaeological Studies*, Vol. 6, No. 2, Pp: 90-73.
- [https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:6665026\\$12i](https://iiif.lib.harvard.edu/manifests/view/drs:6665026$12i)